

خارج اصول فقه (۱۴۰۲-۱۴۰۳) - جلسه ۳۵

تاریخ: شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

[درس اخلاق]

حدیث امام کاظم علیه السلام در جواب سوال رجل نصرانی راجع به باطن آیات اول سوره دخان ... و اما اللیلة ففاطمه.

رابطه فاطمه زهرا با لیلة القدر

مشابهت ها

آفت ریاست طلبی در کلام امام صادق علیه السلام : ما طلب الرئاسة احد الا هلك ...

سقیفه تبلور ریاست طلبی

## ۵- مشتق

۵-۵- اختلاف مشتقات و منشأ آن:

۵-۵-۱- تحقیق در مسئله:

پرسش: در مباحث گذشته بیان شد که مرحوم آخوند فرموده است اختلاف مشتقات به اختلاف مبادی است. سپس این سخن فی الجمله رد و فی الجمله قبول گردید. در این بین مطلبی مسلم گرفته شد که منظور ایشان از

مبدأ، مبدأ اشتقاق است که به عنوان مثال در «فاتح» و «مفتاح»، «ف ت ح» می‌باشد.<sup>۱</sup> حال سؤال این است که «آیا می‌توان گفت مقصود مرحوم آخوند از مبدأ، خود فعلیت یا ملکه یا شأنت می‌باشد، نه «ف ت ح»؟». شاهد آن هم این باشد که مرحوم آخوند ذیل امر اولی که در مسئله مشتق پیش از خوض در بحث بیان می‌کنند، می‌فرمایند: «واختلاف أنحاء التلبسات حسب تفاوت مبادئ المشتقات بحسب الفعلية والشأنية والصناعة والملكة لا يوجب تفاوتاً في المهم من محل النزاع هاهنا»

پاسخ: خیر. این عبارت خود قرینه‌ای است بر این که ایشان مبدأ را همان چیزی می‌داند که ما هماهنگ با همه‌ی علما از کلام ایشان فهمیدیم. لذا می‌فرماید: «بحسب الفعلية»؛ حال آن که اگر مبدأ خود فعلیت بود، می‌بایست گفته شود: «و هو الفعلية».

۶. سخن به آن جا رسید که محقق دوانی فرمود که قیام مبدأ اشتقاق به ذات برای صدق مشتق لازم نیست؛ یعنی ایشان فرمود اگر مشاهده شد که مشتقی حمل بر ذاتی می‌شود، ضرورتی ندارد که مبدأ مشتق در آن ذات وجود داشته باشد؛ مثلاً اگر گفته شد: «فلانی حداد است»، لزومی ندارد که «حدید» یا ماده «ح د د»<sup>۲</sup> در این شخص موجود باشد. ایشان فرمود: «ان صدق المشتق لا يقتضى قیام مبدأ الاشتقاق به». این سخن دوانی در بحث فلسفه منجر به تأسیس یک مشرب شده است؛ چراکه سر سخن را تا بحث «موجود» و «ارتباط خدا و خلق» امتداد داده است؛ به این ترتیب که ایشان در مقابل «تعدد وجود و موجود» یا «وحدت وجود و موجود»، به پا خواسته و رأی به «وحدت وجود و تعدد موجود» داده است. با این که در نگاه نخست چنین گفته‌ای متناقض به نظر می‌رسد، ایشان با تفسیر «موجود» این تناقض را مرتفع ساخته است؛ به این ترتیب که «موجود» به معنای «کسی که وجود در او هست» نمی‌باشد؛ بلکه به معنای «کسی که نسبتی با وجود دارد» می‌باشد.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر خلق هیچ سهمی

---

۱. تلفظ نمی‌کنیم چون در صورت تلفظ کلمه صاحب هیئت مصدری یا اسم مصدری یا ... شده و دیگر مبدأ نخواهد بود.

۲. مقرر: بنا بود حداد از این ماده گرفته نشده باشد که اگر چنین ماده‌ای موجود باشد و حداد از آن گرفته شده باشد، احتمالاً این ماده در ذات مسندالیه موجود باشد.

۳. من تحقیق نکردم که این نظریه اولین مرتبه توسط محقق دوانی مطرح شده یا پیش از ایشان هم بوده. مسئله ارتباط خلق با خدا از بحث‌های ظریفی است که مرحوم صاحب عروه بیان داشته که چنانچه کسی در مورد آن قائل به وحدت وجود شود، کافر است. اتفاقاً یکی از مراجعی که قصد حاشیه به این مطلب را دارد، خود وحدت وجودی است و نقد شیرینی بر این مطلب انجام می‌دهد.

از وجود ندارد و در عین حال «موجود» نامیده می‌شود. می‌پرسیم اگر سهمی از وجود در او نیست، چرا به او موجود گفته می‌شود؛ پاسخ داده می‌شود که همان‌طور که گفته شد، اطلاق مشتق لزوماً با وجود مبدأ در ذات همراه نیست؛ بلکه در مثال ما، دارایی نسبتی با وجود برای اطلاق کفایت می‌کند. بر همین اساس از آن‌جا که حداد با حدید نسبت دارد، در عین این‌که در وجود شخص حداد، خبری از آهن نیست، حدید مبدأ اشتقاق حداد می‌باشد.

این سخن مورد نقد بزرگان بعد از ایشان قرار گرفته است. مثلاً مرحوم ملاصدرا در اشکالی صرفی - لغوی به ایشان، فرموده است که امثال «حدید»، «شمس» و «لبن» از آن‌جا که الفاضلی جامد هستند، نمی‌توانند مبدأ اشتقاق برای «حداد»، «شمس» و «لبن (شیرفروش)» باشند. علاوه بر ایشان مرحوم اصفهانی نیز فرموده است که همین‌که ذات نسبتی با مبدأ اشتقاق داشته باشد برای اطلاق مشتق کفایت می‌کند.

در این بین، در مقام تحقیق سه نسخه برای این مسئله پیچیده‌ایم. شاید گفته شود چنین تفصیل در این مسئله نیاز نیست؛ اما عرض می‌کنیم که حواس ما به این هست که چه بحثی لازم است تا بسط بیشتری پیدا کند.

الحمد لله رب العالمین